



یک اندیشکده امریکایی به شکست غرب در برابر راهبرد ایران در آرایش جدید منطقه اذعان کرد بازدارندگی نامتقارن ایران، امریکارا از منطقه فراری داد

گروه سیاست: مؤسسه صلح و دیپلماسی طی گزارشی از «حسن‌احمدیان» استاد «مرکز امور بین‌الملل» در «دانشگاه هاروارد» و عضو «مرکز تحقیقات راهبردی تهران» نوشت که روند‌های راهبردی در حال تغییر در غرب آسیا، فرصت‌ها و چالش‌های تازه‌ای در سراسر منطقه و به‌طور کلی تر در سراسر جهان پدید آورده است.

به گزارش این اندیشکده امریکایی، ایران در قامت «زنه سنگین منطقه‌ای»، از سال ۱۳۵۷ در «نظم جهانی» به سرکردگی امریکا مشارکت نداشت. جمهوری اسلامی دهه‌ها است برای غلبه بر محدودیت‌های اعمال شده و مقابله با تهدیدهای نظامی غرب تلاش می‌کند. ازاین‌رو، ایران در برابر اولویت قدرت‌های بزرگ ازجمله امریکا، خواهان ایجاد نوعی «نظم منطقه‌ای بومی‌تر» بوده و هست. نویسنده شرح داد که تحولات سال‌های اخیر همچون مذاکرات وین، «پیمان آبراهام»، تحریکات رژیم صهیونیستی برای «تغییر موازنه قدرت» در منطقه، عقب‌نشینی یا همان اخراج امریکا از غرب آسیا، تشدید رقابت‌های قدیمی بین قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، شرایط کاملاً جدیدی در غرب آسیا رقم زده و به‌سرعت در حال «شکل‌دهی به ساختار امنیتی جدید منطقه» است. به نظر این اندیشکده امریکایی، در چند دهه گذشته کسب توان بازدارندگی در مرکز «نظریه راهبردی منطقه‌ای» (دکترین) ایران بوده است. جمهوری اسلامی به‌منظور

مقابله با اقدامات غرب برای منزوی کردن

بین‌المللی ایران، تلاشی چندبعدی در بخش‌های نظامی، امنیتی، اقتصادی و غیره آغاز کرد. احمدیان توضیح داد که دستیابی به توان بازدارندگی، به‌عنوان راهبرد کلان ایران به‌تدریج تکامل یافت و جمهوری اسلامی توانست «کاستی‌های راهبردی» خود برای مقابله با فشار غرب را شناسایی و برطرف کند. راهبرد بازدارندگی ایران پس از یورش امریکا به افغانستان و عراق به‌سرعت شکل گرفت. چرا که ایران خود را در محاصره «ارتش متخاصم و قورتر مندی» می‌دید که قصد داشت با براندازی، نظام جمهوری اسلامی را تغییر دهد. نگارنده سپس افزود که با گذشت زمان، این راهبرد شکل منطقه‌ای به خود گرفت و منجر به ظهور «محور مقاومت» شد. هدف مشترک گروه‌های مقاومت در سراسر منطقه «بازدارندگی در برابر تهدیدهای امریکا واسرائیل» بود.

به تشریح این مؤسسه، نظریه بازدارندگی ایران دو ماهیت «نامتقارن و متعارف» دارد. توجه به ماهیت نامتقارن این بازدارندگی به‌موجب فاصله بین قابلیت‌های نظامی امریکا و ایران، امری ضروری بود. پیشتر، تهران در مقطعی کوشید با تعامل (مثل همکاری با واشنگتن علیه طالبان در سال ۲۰۰۱)، خطر امریکا را دفع کند؛ اما این سیاست «نتیجه مخکوس» داد و ایران به‌عنوان بخشی از «محور شرارت» توسط «جورج دبلیو بوش» رئیس‌جمهور وقت واشنگتن) از مهم‌ترین تهدیدات علیه صلح منطقه هستند، انگیزه داد تا همکاری‌های اقتصادی و امنیتی خود را شدیداً افزایش دهند.

■ **ایرانیان حامی افزایش فعالیت‌های هسته ای‌کشورشان هستند**
دولت ترامپ در سال ۲۰۱۸ با پاره کردن توافق برجام، تحریم‌هایی جهانی علیه ایران تحمیل و با گسترش محدودیت‌ها در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ اقدام به بلوکه کردن میلیاردها دلار از دارایی‌های خارجی جمهوری اسلامی کرد. این تحولات کاهش چشمگیر درآمدهای حاصل از صادرات نفت را که تهران به آن متکی بود در بر داشت و اقتصاد ایران دچار رکود شد اما این روند نیز موقتی بود، زیرا فشارها به جای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی، به شکلی متناقض عمل کرد و علاوه بر تقویت قدرت سیاسی جریان‌ات اوکلورا در تهران، حمایت افکارعمومی از افزایش میزان فعالیت‌های هسته‌ای را که بر اساس توافقنامه سال ۲۰۱۵ ممنوع شده بود، به همراه داشت. بر اساس نظرسنجی مرکز مطالعات بین‌المللی امنیتی دانشگاه آریزونا در سال ۲۰۲۱، سه‌چهارم مردم ایران حامی افزایش فعالیت‌های هسته‌ای تهران هستند؛ این حمایت مردمی به دولت امکان می‌دهد راحت‌تر فعالیت‌های غنی‌سازی و ذخیره مواد هسته‌ای را حتی باوجود مواجعه با فشارهای بین‌المللی تداوم ببخشد.نتیجه آن شد که از زمان اعمال مجدد تحریم‌ها، ایران ذخایر اورانیوم غنی‌شده و ظرفیت غنی‌سازی خود را گسترش داد و سیاستمدارانی که هیچ‌گونه تمایلی به روابط با غرب وواشنگتن ندارند در رأس قدرت قرار گرفتند. فضای سیاسی و مقاومت فزاینده ایران در مقابل تحریم‌ها، باعث ایجاد شرایطی شد که روسیه بر میزان همکاری‌های دوجانبه در زمینه تولید انرژی افزود، همچنین با توافق در مورد

بررسی ابعاد ناکامی استراتژی های ایالات متحده از نگاه یک تحلیلگر امریکایی

تحریم ایران و روسیه جبهه مقابل غرب را تقویت می کند

«دانیل لاریسون، سردبیر سابق مجله امریکایی کسرواتور منرجم، رااضیه خوینی

اگر امریکایی‌ها می‌خواهند برای مردم این کشور، نمایشی از همبستگی نشان دهند، بهترین راه آن است که با راز روی گلوی آنها بردارند؛ چرا که غرب به مشارکتی بی‌ثبات کننده علیه خود دامن می‌زند، آنقدر که ممکن است از لحظه به اجرا درآمدن مشارکت‌ها به منظور تحت فشار قرار دادن تهران و مسکو، دیگر برای مهار این بحران خیلی دیر شده باشد. در دهه‌های اخیر واشنگتن برای رفع نگرانی‌های امنیتی خود و به منظور رویارویی با روسیه و ایران بیش از پیش به تحریم‌های اقتصادی منوسل شده است، اما گویا این ابتکارات همچون تیغه شمشیر داری دلبه بوده و فشارهای شدیدتر بازتاب متقابل داشته است؛ طوری که به جای افزایش امنیت برای ایالات متحده و منطقه، شرایطی خطرناک و مخکوس را برای غرب رقم زده است. در ایران، تحریم‌های اعمال شده از سوی واشنگتن به ظاهر عامل فلج کردن اقتصاد تهران به نظر می‌رسد؛ اما غرب ناخواسته عامل ایجاد نوعی مقاومت داخلی در برابر مذاکرات جاری شده و تلاش‌های دیپلماتیک به منظور محدود کردن برنامه هسته‌ای مورد مناقشه در این کشور را مختل کرده است. به همین ترتیب تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه پس از حمله به اوکراین، گرچه ابتدا تولید ناخالص داخلی این کشور را کاهش داد، اما مدتی نگذشت که مسکو به یاقتن متحدان و بازارهای جدید ترغیب شد، در نتیجه تأثیرگذاری تحریم‌ها کاهش یافت. این روند باعث حسنه شدن روابط کرملین با شرقیایی شد که مشتاق تضعیف غرب و بی‌اثر کردن تلاش‌های آنها در راستای منزوی کردن برخی کشورها هستند. بنابراین تلاش‌های تحریمی، به‌طور غیرارادی به دو کشوری که به (ادعای

۱۳۰۳

■ **ایران در برابر اولویت قدرت‌های بزرگ ازجمله امریکا، خواهان برقراری نظم منطقه‌ای بومی است**
غرب آسیا شاهد افول قدرت امریکا و کاهش رقابت‌های منطقه‌ای است
■ **ساختار جدید امنیتی منطقه به‌سرعت در حال شکل‌گیری است**
رسیدن به توان بازدارندگی، همواره در مرکز نظریه راهبردی منطقه‌ای ایران بوده و هست
■ **جمهوری اسلامی برای مقابله با اقدامات غرب تلاشی چندبعدی در بخش‌های نظامی، امنیتی، اقتصادی و غیره آغاز کرد**
■ **جمهوری اسلامی توانست ملزومات خود برای مقابله با فشار غرب را شناسایی و تقویت کند**
■ **راهبرد بازدارندگی ایران به‌سرعت شکل منطقه‌ای به خود گرفت و منجر به ظهور محور مقاومت شد**
■ **نظریه بازدارندگی ایران دو ماهیت نامتقارن و متعارف دارد**
■ **جمهوری اسلامی ایران توانست سیاست واشنگتن مبنی بر مهار ایران را به ایجاب بازدارندگی در برابر امریکا بدل کند**
■ **اکنون منطقه پذیرای احیای توافق هسته‌ای است و همه از فروپاشی احتمالی آن نگران‌اند**
■ **کاخ سفید باید رژیم صهیونیستی را مهار کند که دست به اقدامات زیان‌بار و تنش‌زا زند**
■ **سیاست «چرخش به آسیا» در واشنگتن، حضور امریکا در غرب آسیا را تحت تأثیر قرار داده است**
■ **تعامل بین‌المللی در غرب آسیا پس از جنگ جهانی دوم، بر مبادله نقت در برابر امنیت استوار بوده است**
■ **تشویق رقبای منطقه‌ای به ادامه تعاملات دیپلماتیک در کاهش سطح تنش در غرب آسیا مؤثر است**
■ **هسته نظریه راهبردی ایران، بازدارندگی منطقه‌ای است**

به‌شدت نگران پیامدهای آن در منطقه به‌خصوص بهبود شرایط اقتصادی ایران شدند. سپس ادعا شد که از ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ (که امریکا توافق هسته‌ای را پاره کرد)، یکی از «صلح‌آمیزترین دوره‌ها بین ایران، امریکا و بازیگران عرب منطقه» در دهه‌های اخیر بوده است(۱) سپس تشریح شد که با نقض توافق هسته‌ای توسط امریکایی‌ها، روابط مذکور به‌سرعت تیره شد و منطقه را دستخوش دور جدیدی از حوادث خطرناک کرد و تا آستانه رویارویی گسترده طرف‌ها پیش رفت. به نظر مؤلف، احتمال تکرار مجدد چنین اوضاع (سناریوهایی) «چرخش به آسیا» حضور امریکا در غرب آسیا را تحت تأثیر قرار داد. عقب‌نشینی امریکا از منطقه، رژیم‌های متحدش را شدیداً نگران کرد. حال این رژیم‌ها باید با «نیازهای امنیتی» خود کنار بیایند یا شرکای جدیدی برای خود دست‌وپا کنند. به‌علاوه، در خلأ حضور امریکا، رقبایی همچون روسیه در منطقه نقش آفرینی می‌کنند.

به نظر مؤلف، هم‌اکنون رقابت‌های منطقه‌ای با حضور ایران، رژیم‌سعودی، ترکیه و دیگر قدرت‌های منطقه شکل گرفته و «رویارویی منطقه‌ای بی‌سابقه‌ای» پدید آمده است. جنگ به سرکردگی ریاض علیه یمن، محاصره قطر، حضور مستقیم نظامی

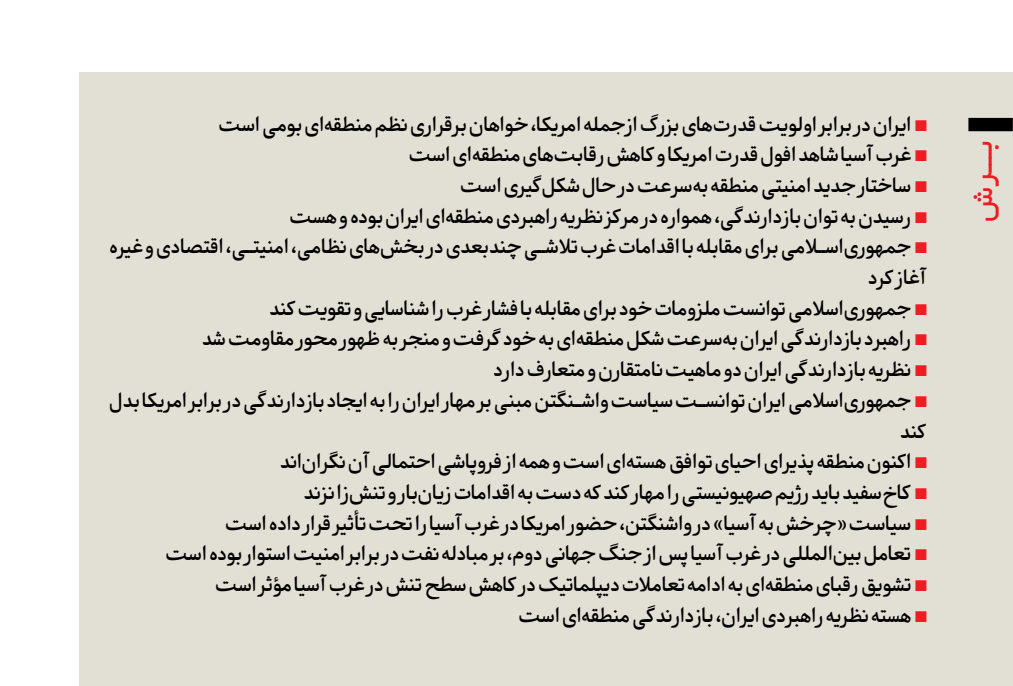
ایران و ترکیه در سوریه و عراق، ازجمله مواردی است که پیش از همیشه فضای غرب آسیا را نظامی کرده است.

سپس با مروری بر ظهور دیپلماسی منطقه‌ای و مذاکرات بازیگران غرب آسیا با یکدیگر در سال‌های اخیر، ادعان شد که غرب آسیا همزمان شاهد «افول قدرت امریکا و کاهش رقابت‌های منطقه‌ای» است. «مؤسسه صلح و دیپلماسی» یادآوری کرد که پس از امضای توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵، رژیم‌های غربی حاشیه خلیج فارس

۱- صبوینیست‌ها در تقلا بودند که ائتلاف منطقه‌ای علیه ایران شکل دهند و طرح عادی‌سازی (آشکارسازی) روابط با

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir



می‌توان رقابت‌های غرب آسیا را مدیریت کرد و فضای مطلوبی برای گفت‌وگوهای منطقه‌ای فراهم کرد. در نتیجه، پایه‌های ساختار امنیتی صلح‌آمیز در غرب آسیا گذاشته می‌شود. مهم‌تر از آن، با احیای توافق هسته‌ای می‌توان از اجرای «طرح ب» خطرناک‌تر در منطقه جلوگیری کرد.

۳- تقویت اولویت‌های منطقه‌ای از طریق «انجمن‌های گفت‌وگوی منطقه‌ای» که معمولاً در تضاد با اولویت‌های بین‌المللی است که اغلب‌شان «تقابلی» هستند
۴- جلوگیری از اقدامات تحریک‌آمیز رژیم صهیونیستی به‌عنوان تنها مخالف اشغالگر قدس علیه ایران، نوشت که اساساً «بازدارندگی متعارف منطقه‌ای» ایران برای ایجاد توازن در برابر «قابلیت‌های هسته‌ای غیرمتعارف اسرائیل» پدیدار شد.

رژیم صهیونیستی دهه‌هاست می‌کوشد با «پیمان آبراهام» و تقلا برای تشکیل ائتلاف امنیتی در منطقه، خود را به مرزهای ایران نزدیک‌تر کند. سپس خاطرنشان شد که ایران تلویحاً به رژیم‌های منطقه هشدار داد که در روابط با رژیم صهیونیستی زیاده‌روی نکنند. همزمان، جمهوری اسلامی هرچا لازم شد به «قدرت سخت» متوسل شد تا «زیرساخت‌های نظامی- امنیتی جدید اسرائیل» در کشورهای همسایه را هدف قرار دهد.

این اندیشکده در ادامه چهار توصیه برای برقراری ثبات در منطقه به زامداران جهانی و منطقه‌ای ارائه کرد:
۱- تشویق رقبای منطقه‌ای به ادامه تعاملات دیپلماتیک که در «کاهش سطح تنش در غرب آسیا» مؤثر است.

۲- با تمرکز بر احیای توافق هسته‌ای به‌عنوان «ستون امنیت و ثبات منطقه»، روسیه در ادامه پیش‌بینی کرد که به موازات «تغییر نظم جهانی»، غرب آسیا شاهد روندها و تحولات جدیدی است که منطقه را به مسیرهای مختلف سوق خواهد داد. به نظر وی، بسیاری از این تحولات هنوز به روابط ایران با امریکا و متحدان کاخ‌سفید در منطقه مربوط نمی‌شود. به ادعان این مؤسسه طی دهه‌های گذشته، جمهوری اسلامی ایران توانست سیاست واشنگتن مبنی بر مهار ایران را به ایجاد بازدارندگی در برابر امریکا بدل کند. به‌عزم او هم‌اکنون منطقه پذیرای احیای توافق هسته‌ای است و بازیگران مربوطه نسبت به عواقب فروپاشی احتمالی آن نگران هستند. در پایان، بار دیگر به سران کاخ‌سفید هشدار داده شد که باید رژیم صهیونیستی را مهار کنند که دست به اقدامات زیانبار و تنش‌زا

زند.



روسیه را حائز اهمیت می‌دانند، این است که از هرگونه مذاکره مستقیم با واشنگتن اجتناب می‌کند. دلیل اصلی عدم تمایل ایرانیان به گفت‌وگوی مستقیم با امریکا نیز به میراث ایدئولوژیک انقلاب اسلامی باز می‌گردد، چرا که ایالات متحده را تهدید اصلی امنیت ملی خود می‌دانند. علاوه بر این تجربه دیپلماتیک ایران نیز نشان داده است که نمی‌تواند به آمریکا اعتماد کند. در آخر شاید روسیه مخالف تبدیل شدن ایران به یک قدرت هسته‌ای نظامی باشد، اما از تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه غرب علیه ایران نیز تبعیت نمی‌کند و مخالف هرگونه توسل به گزینه نظامی برای دستیابی به این هدف است. در نتیجه شاهدیم که تضعیف نفوذ اقتصادی روسیه در جهان، بر اثر اعمال تحریم‌ها، قطعاً می‌تواند مسکو را به جست‌وجوی جایگزین‌هایی برای راهی از وابستگی به سیستم مالی امریکا و دارد و این روش به ظهور نظم بین‌المللی پس‌غربی منجر خواهد شد؛ آنچه که رهبران ایران از مدت‌ها قبل به دنبالش هستند، زیرا قطع وابستگی به غرب و امریکا از اهداف ایدئولوژیک و اصول بنیادین جمهوری اسلامی است.

خصوص در حوزه‌های فضایی، هوانوردی و هواپیماهای بدون سرنشین یافت. در سطح اقتصادی نیز جنگ اوکراین دو کشور را وادار به راه‌اندازی سازگارهایی با هدف دورزدن تحریم‌ها کرده است تا از فشارهای غرب در راستای به حاشیه برداندن خود بکاهد؛ همچنین همکاری‌های دوجانبه را در حوزه‌های منطقه‌ای و امنیتی به‌خصوص در قفقاز جنوبی، سوریه و افغانستان گسترش داده‌اند.

به گفته این نویسنده، مبانی روابط دوجانبه یعنی برقراری تعامل به دنبال نیازها با توجه به شرایط جدید بین‌المللی سؤال‌برانگیز نیست اما آنچه که تغییر کرده است، مشارکت میان مسکو و تهران در براساس عزم مشترک با هدف مخالفت با نفوذ غرب می‌تواند تهدیدی جدی علیه منافع امنیتی امریکا و غرب، بویژه در خاورمیانه باشد. در حقیقت تحریم‌هایی که واشنگتن به طور فزاینده به بهانه جهانی با تهدیدات امنیتی به آن متوسل شده، ممکن است به مسیرهای جدیدی ختم شود که ناخواسته گریبانگیر خود و تضعیف اهداف بلندمدت آن شود. تحریم‌هایی که باعث نزدیکی کورهایمی می‌شود که تحت تأثیر محدودیت‌ها قرار گرفته‌اند و در نهایت شاید منجر به خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای و ایجاد یک ابرقدرت به نام جدید بشود. کلمت ترمه، با این کارشناس خاورمیانه در مرکز مطالعات پیشرفته رابرت شومان در سایت کانورسشن در همین زمینه نوشت: از زمان تشدید تحریم‌های غرب علیه روسیه در سال ۲۰۲۲ روابط نظامی و امنیتی تهران - مسکو جهشی کیفی به

ژوئیه با روسیه در خصوص تحویل صدها پهپاد با قابلیت‌های تجسسی و توان حمل تسلیحات توافق کرده است، آنچه که ممکن است نشان دهد منظور لاوروف از همکاری‌ها تنها به گزینه‌های غیرنظامی محدود نمی‌شود. مشارکت میان مسکو و تهران براساس عزم مشترک با هدف مخالفت با نفوذ غرب می‌تواند تهدیدی جدی علیه منافع امنیتی امریکا و غرب، بویژه در خاورمیانه باشد. در حقیقت تحریم‌هایی که واشنگتن به طور فزاینده به بهانه جهانی با تهدیدات امنیتی به آن متوسل شده، ممکن است به مسیرهای جدیدی ختم شود که ناخواسته گریبانگیر خود و تضعیف اهداف بلندمدت آن شود. تحریم‌هایی که باعث نزدیکی کورهایمی می‌شود که تحت تأثیر محدودیت‌ها قرار گرفته‌اند و در نهایت شاید منجر به خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای و ایجاد یک ابرقدرت به نام جدید بشود. کلمت ترمه، با این کارشناس خاورمیانه در مرکز مطالعات پیشرفته رابرت شومان در سایت کانورسشن در همین زمینه نوشت: از زمان تشدید تحریم‌های غرب علیه روسیه در سال ۲۰۲۲ روابط نظامی و امنیتی تهران - مسکو جهشی کیفی به